

The relationship of personal attributes, attributional style and self distinctness with marital infidelity through mediation of irrational beliefs

Fariba Kalantari*
Mehdi Merart**

Introduction

Marital infidelity is one of the most prominent threats for the stability of the marital relationship, and also one of the most salient reasons behind divorce in different cultures. At first glance this phenomenon seems to be an individual one, but taking in mind its unpleasantness and bitter consequences for the family and children upbringing, also its effects on the security and safety of the society, it must be considered a serious, and social damage.

Goals

The aim of this study was to investigate the relationship between personal attributes, attributional style and self distinctness with marital infidelity through mediation of irrational beliefs.

Method

Statistical population included male and female married students of Azad University of Ramhormoz, out of which 230 students were chosen by a multi-stage *cluster* sampling method. To have suitable sample size, for doing structural equation modeling (SEM), and according to the usual sampling method in correlation studies, in which 15-60 persons are usually studied for each variable, in this study for each variable 30 persons were studied, which gives 230 persons as the sample size. This study required that couples should have lived together for at least one year, not divorced, and living together at the moment, and also be willing to complete the scales. Data collection was done using Marital Infidelity Inventory of Dyrogoths (1999), short form of

* Assistance professor, department of psychology, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran. *Corresponding Author:* kalantari_fr@yahoo.com

** M.A., department of psychology, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.

NEO of McCrae and Costa (1985), Attributional Style Inventory of Patterson (1982), Self-Distinctness Inventory of Skowron and Friendlander (1998), and the short form of Irrational Beliefs Inventory of Jones (1968). Suggested model assessment was done via structural equation modeling (SEM) and using SPSS and AMOS version 23.

Findings

Data analysis illustrated that neurosis and agreement had a direct positive effect on marital infidelity, but extroversion, conscientiousness, attributional style, and distinctness had a direct negative effect on it. Openness had no negative and meaningful effect on marital infidelity. Results of bootstrap analysis also showed that through irrational beliefs extroversion, openness, agreement, conscientiousness, attributional style, and self distinctness had indirect effect on marital infidelity.

Results

According to the findings, personal attributes, attributional style, self-distinctness, and irrational beliefs were predicting marital infidelity. Therefore, including these factors in pre-marriage trainings and consultation would be of great importance.

Keywords: personal attributes, attributional style , self distinctness, marital infidelity, irrational beliefs

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۱/۲۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۴/۱۵

مجله دست آوردهای روان‌شناختی
(علوم تربیتی و روان‌شناسی)
دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار و تابستان ۱۳۹۸
دوره‌ی چهارم، سال ۲۶، شماره‌ی ۱
ص: ۲۱۱-۲۳۲

رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی، سبک اسنادی و تمایز یافتگی خود و پیمان‌شکنی زناشویی از طریق میانجی‌گری باورهای غیرمنطقی

فریبا کلانتری*

مهدی مرارت**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی، سبک اسنادی و تمایز یافتگی خود با پیمان‌شکنی زناشویی از طریق میانجی‌گری باورهای غیرمنطقی انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش را دانشجویان زن و مرد متأهل دانشگاه آزاد اسلامی رامهرمز تشکیل دادند که تعداد ۲۳۰ نفر از آنها براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه پیمان‌شکنی زناشویی (دریگوتاس)، پرسشنامه شخصیتی نئو (مک کری و کاستا)، پرسشنامه سبک اسنادی (پترسون)، پرسشنامه تمایز یافتگی خود (اسکورون) و پرسشنامه باورهای غیرمنطقی (جونز) استفاده گردید. نتایج حاصل از الگوسازی معادلات ساختاری نشان داد که روان‌رنجوری و توافق اثر مثبت مستقیم و برون‌گرایی، وجدانی بودن، سبک اسنادی و تمایز یافتگی اثر منفی مستقیم بر پیمان‌شکنی زناشویی داشتند ولی گشودگی اثر منفی معنی‌داری بر پیمان‌شکنی زناشویی نداشت. همچنین نتایج تحلیل بوت استرپ نشان داد که روان‌رنجورخویی اثر مثبت غیرمستقیم و برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌پذیری، وجدانی بودن، سبک اسنادی و تمایز یافتگی خود از طریق باورهای غیرمنطقی بر پیمان‌شکنی زناشویی اثر منفی غیرمستقیم داشتند. بر اساس یافته‌های به دست آمده ویژگی‌های شخصیتی، سبک اسنادی، تمایز یافتگی خود و نیز باورهای غیرمنطقی از قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی پیمان‌شکنی زناشویی برخوردار می‌باشند. بنابراین در نظر گرفتن این عوامل در مشاوره‌ها و آموزش‌های پیش از ازدواج می‌تواند اثربخش باشد.

* استادیار گروه روانشناسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران (نویسنده مسئول)

kalantari_fr@yahoo.com

** کارشناس ارشد روانشناسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

کلید واژگان: پیمان‌شکنی زناشویی، ویژگی‌های شخصیتی، سبک اسنادی، تمایز یافتگی خود، باورهای غیرمنطقی

مقدمه

زندگی زناشویی یکی از جهانی‌ترین نیازهای بشری است که از دو نفر با توانایی‌ها، ویژگی‌ها، نیازها و علایق مختلف تشکیل می‌شود (Goldenberg & Goldenberg, 2012). توانایی ایجاد و حفظ روابط صمیمانه، پایدار و رضایت‌بخش با همسر از جمله تکالیف مهم زندگی زناشویی می‌باشد (Zhang, Spinrad, Eisenberg, Luo & Wang, 2017). احساس رضایت از ازدواج و رابطه‌ی زناشویی موفق نقش مهمی را در میزان کارکردهای خانواده و رشد و تحول فرزندان ایفا می‌کند (Cummings & Davies, 2012).

یکی از عوامل آسیب‌زا در ساختار و ثبات خانواده، مسئله پیمان‌شکنی زناشویی^۱ است. پیمان‌شکنی زناشویی مسأله‌ای تکان‌دهنده برای زوجها و خانواده‌ها و پدیده‌ای رایج برای درمانگران ازدواج و خانواده است (Soudani, Karimi, Mehrabizadeh & Neisi, 2012). طبق تعریف، پیمان‌شکنی زناشویی به معنای برقراری ارتباط جنسی با فردی غیر از همسر می‌باشد. این عمل یک حادثه آسیب‌زا و تکان‌دهنده بین فردی برای شریک زندگی آسیب دیده است ولی متأسفانه به میزان زیادی در ازدواج‌ها رخ می‌دهد. افراد درک خاصی از معنی پیمان‌شکنی زناشویی دارند. برای عده‌ای داشتن رابطه‌ی عاطفی بدون رابطه‌ی جنسی خارج از ازدواج، خیانت محسوب می‌شود و برای عده‌ای دیگر، داشتن رابطه‌ی عاطفی بدون رابطه‌ی جنسی نیز خیانت است (Guitar, 2016). در میان مردان، رابطه‌ی جنسی همسرشان در خیانت بسیار مهم‌تر تلقی می‌شود و برایشان دردناک است؛ اما در زنان خیانت عاطفی، هم آسیب شدیدی به رابطه‌ی زناشویی آنها وارد می‌کند و هم برای آنها گذشت ناپذیر است. مهم‌ترین انگیزه زن و مرد متأهلی که به سوی روابط نامشروع کشیده می‌شوند، تجربه مجدد و صمیمیت فردی و جنسی است؛ چیزی که دیگر در زندگی مشترکشان نمی‌یابند. بنابراین جذابیت روابط نامشروع بدین دلیل است که هیچ یک از طرفین، عیب‌جویی، سرزنش و شکوه نمی‌کنند (Gordon, Baucmn & Snyder, 2008). پیمان‌شکنی زناشویی نوعی اختلال و بیماری در رفتار بشمار می‌رود، زیرا با توجه به عوارض نابهنجار و نامطلوبی که به همراه دارد، آسیب‌ها و مشکلات مختلفی را هم برای همسر خیانتکار و هم

1- infidelity

برای قربانی ایجاد می‌کند. خیانت همسر، شبیه علائم استرس پس از سانحه بوده و با علائم شوک، سردرگمی، خشم، افسردگی، آسیب دیدن عزت نفس و کاهش اعتماد به نفس در مسائل شخصی و جنسیتی می‌تواند همراه باشد. همچنین پس از افشاء خیانت همسر، خانواده‌ها با مسائلی نظیر بحران زناشویی، تضعیف عملکردی در نقش‌های والدینی و مشکلات شغلی روبه‌رو می‌شوند (Gordon et al., 2008). براساس مطالعات Fung, Wong and Tam (2009) بین پیمان‌شکنی زناشویی و تعارضات زناشویی رابطه معنی‌داری وجود دارد به گونه‌ای که روابط فرازناشویی یکی از مهمترین تهدیدها برای ثبات روابط زناشویی و از عمده‌ترین دلایل طلاق در فرهنگ‌های مختلف محسوب می‌شود. معمولاً پیمان‌شکنی زناشویی در نگاه اول پدیده‌ای فردی به نظر می‌رسد؛ اما با توجه به عواقب ناگوار و پیامدهای سوء آن که نهاد خانواده و تربیت فرزندان و نیز سلامت و امنیت جامعه را دچار اختلال و آشفتگی می‌کند، باید این معضل را از آسیب‌های اجتماعی پنهان و بسیار جدی به شمار آورد.

یکی از متغیرهای مرتبط با پیمان‌شکنی زناشویی در زوجین ویژگی‌های شخصیتی می‌باشد. شخصیت را می‌توان الگوهای اختصاصی و متمایز تفکر، هیجان و رفتار دانست که سبک شخصی تعامل با محیط فیزیکی و اجتماعی هر شخص را رقم می‌زند (Atkinson et al., 2010). شخصیت نقش عمده‌ای در بسیاری از زمینه‌های زندگی ایفا می‌کند. درمانگران و برخی پژوهش‌ها، ویژگی‌های شخصیتی را یکی از عوامل سببی گرایش افراد به سمت پیمان‌شکنی می‌دانند (Sami et al., 2014). بر اساس الگوی پنج‌عاملی شخصیت، نداشتن شباهت در مقیاس‌های پنجگانه با پیمان‌شکنی و نارضایتی زناشویی مرتبط است (Orzeck & Lung, 2005). تحقیقات تجربی بسیاری نشان داده است که این الگو نه تنها ارزیابی صحیحی را از شخصیت ارائه می‌کند بلکه پیش‌بینی‌کننده پایداری نسبی این عامل‌ها در طول عمر افراد نیز هست که این مسئله زمینه را برای پیش‌بینی رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف فراهم می‌کند. (Goodfriend and Agnew 2008) یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تعهد زناشویی را ویژگی‌های شخصیتی و روانی فرد می‌داند. (Sami et al. 2014) در پژوهش خود نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری و برون‌گرایی با پیمان‌شکنی زناشویی اثر مستقیم و مثبت داشتند. همچنین پژوهش‌های (Yang, Jowett and Chan 2015)؛ (Fisher and McNulty 2008)؛ (Adibnia 2012) و

Farahmand (2015) نشان‌دهنده رابطه معنادار بین ویژگی‌های شخصیتی و تعارض و ناخشنودی زناشویی بوده است. علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی، در سال‌های اخیر مفهوم سبک‌های اسناد در زمینه درمانگری زناشویی به شیوه شناختی - رفتاری توجه زیادی را به خود اختصاص داده است. درمانگران و پژوهشگرانی که در حیطه شناختی - رفتاری کار می‌کنند پیشنهاد داده‌اند که توجه انتخابی، اسنادهای علی، انتظارات و معیارهای غیرواقع بینانه برای درک مشکلات زناشویی حیاتی هستند (Qarishian, Neshat Dosst, & Molavi, 2010). نتایج پژوهش Graham and Conoley (2006) نشان داد که کیفیت زناشویی زوجینی که اسنادهای غنی‌ساز رابطه درباره رفتار منفی همسرشان دارند کمتر تحت تأثیر عوامل فشارزای زندگی قرار می‌گیرند. (Adibnia (2012)؛ Stephane and Lussier (2006) و Khin (2005) نشان دادند که اسناد مثبت با رضایت زناشویی همبستگی مثبت داشت و اسناد منفی با رضایت زناشویی همبستگی منفی داشت. یکی دیگر از متغیرهای اثرگذار بر پیمان شکنی زناشویی، تمایز یافتگی خود می‌باشد. بر اساس نظریه نظام‌های خانواده Bowen (1978)، تمایز یافتگی سطحی را توصیف می‌کند که یک شخص قادر است بین کارکرد عقلانی و عاطفی خود در روابطش با صمیمیت و خودمختاری تعادل برقرار کند (DeCesare, 2008). براساس این نظریه حداقل چهار عامل، واکنش‌پذیری عاطفی^۱، گسلس عاطفی^۲، امتزاج با دیگران^۳ و توانایی به دست آوردن جایگاه - من^۴ از پیش‌بینی کنندگان سطح تمایز یافتگی یک فرد هستند (DeCesare, 2008). تمایز یافتگی بنیان‌های صمیمیت و پذیرش دوسویه را در ازدواج بررسی می‌کند. انتظار می‌رود زن و مردی که سطح تمایز یافتگی پایینی دارند، در زمان ازدواج، بلوغ هیجانی کمتر و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند. در مقابل، در نظام‌های زناشویی تمایز یافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی انعطاف‌پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش هیجانی کمتری را تجربه کنند (Momeni, Kavooosi & Sakineh Amani, 2015). به طور ویژه، زوج‌هایی که واکنش‌پذیری عاطفی کمتر، گسلس عاطفی کمتر و امتزاج محدودی با یکدیگر دارند و قادرند از عقاید خود

1- emotional reactivity

2- emotional cut off

3- fusion with others

4- i-position

دفاع کنند، میزان بالاتری از رضایت و تعهد زناشویی را تجربه می‌کنند (Skowron, 2000). یافته‌های پژوهش (Zarei and Hosseinagholi, 2013) و Glad (1999) نشان داد که تمایز یافتگی با تعهد زناشویی رابطه مثبت معنی‌داری دارد. یکی دیگر از متغیرهایی که می‌تواند بر پیمان‌شکنی زناشویی اثر داشته باشد باورهای غیرمنطقی^۱ است. باورهای غیرمنطقی، علت اصلی بسیاری از اختلاف‌های اجتماعی، به ویژه روابط زوجین است (Ellis, 2001). منظور از چنین باورهایی، در واقع وجود افکار نادرست و نامنطبق با واقعیت درباره خود و جهان است. یکی از عمده‌ترین عرصه‌های بروز و نفوذ افکار غیرمنطقی و ناکارآمد، زندگی زناشویی است. بسیاری از همسران در برقراری و حفظ روابط دوستانه و صمیمی با یکدیگر دچار مشکل‌اند، چون انتظار دارند تا از ازدواج به گونه کلی و از همسران به گونه اختصاصی، منافی به دست آورند (Pourmohammadreza, Pahlavan & Najafifard, 2013). به بیان دیگر، انتظارات آنان از رابطه زناشویی بیشتر، گسترده‌تر و در بسیاری از موارد، غیرمنطقی‌تر شده و حتی توانسته زمینه سرخوردگی از زندگی زناشویی را فراهم آورند. با توجه به اثر باورهای غیرمنطقی بر پیمان‌شکنی زناشویی به نظر می‌رسد که ویژگی‌های شخصیتی، سبک اسنادی و تمایز یافتگی خود نه تنها به صورت مستقیم بلکه از طریق باورهای غیرمنطقی نیز می‌تواند بر پیمان‌شکنی زناشویی اثرگذار باشد. از آن جایی که برای پژوهشگران شناخت عوامل و مؤلفه‌هایی که با پیمان‌شکنی زناشویی ارتباط مستقیم و غیرمستقیم دارند مهم می‌باشد، پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی، سبک اسنادی و تمایز یافتگی خود با پیمان‌شکنی زناشویی با توجه به نقش میانجی‌گری باورهای غیر منطقی بپردازد. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر بررسی اثر مستقیم ویژگی‌های شخصیتی، سبک اسنادی و تمایز یافتگی خود بر پیمان‌شکنی زناشویی و همچنین اثر غیرمستقیم این رابطه از طریق باورهای غیر منطقی می‌باشد.

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر، همبستگی از طریق الگویابی معادلات ساختاری (SEM)^۲ است که یک روش همبستگی چندمتغیری می‌باشد. در پژوهش حاضر جامعه آماری را کلیه دانشجویان

1- irrational beliefs

2- Structural Equation Modeling (SEM)

مرد و زن متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز تشکیل دادند، که از طریق روش نمونه-گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری بدین صورت بود که ابتدا از بین دوازده گروه آموزشی شش گروه و از هر گروه آموزشی دو مقطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد انتخاب و از هر مقطع تحصیلی دو کلاس (برحسب سال ورودی) انتخاب و از هر کلاس ۱۰ دانشجو و در کل ۲۴۰ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید. برای تعیین تعداد حجم نمونه کافی در پیشینه مربوط به مدل یابی معادلات ساختاری پیشنهادی چند ارائه شده است. به طور مثال چین ۱۹۹۸ قانون سرانگشتی ۱۰ آزمودنی به ازاء یک متغیر در مدل را پیشنهاد می‌کند. دست کم حجم نمونه از نظر Anderson and Greenberg (1998)، ۱۵۰ آزمودنی و از نظر Cho and Bentler (1995)، ۲۰۰ آزمودنی می‌باشد (Khajepour, Beshlideh & Baharlo, 2017). بنابراین، در پژوهش حاضر به ازای هر متغیر ۳۰ نفر و در کل ۲۴۰ نفر در نظر گرفته شد. از بین ۲۴۰ پرسشنامه توزیع شده ۲۳۰ پرسشنامه برگشت داده شد و نمونه پژوهش حاضر را تشکیل داد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل گذشت حداقل یکسال از زندگی مشترک، عدم جدایی و زندگی با هم در حال حاضر و نیز تمایل و رضایت جهت تکمیل پرسشنامه بود و ملاک خروج عدم وجود هر یک از این موارد در آزمودنی‌ها بود. توزیع فراوانی آزمودنی‌ها مرد با تعداد ۷۳ نفر (معادل ۳۱/۷۴ درصد) و آزمودنی‌های زن ۱۵۷ نفر (معادل ۶۵/۲۶ درصد) بود. همچنین آزمودنی‌های شاغل با تعداد ۱۵۰ نفر (معادل ۶۵/۲۲ درصد) و آزمودنی‌های غیرشاغل ۸۰ نفر (معادل ۳۴/۷۸ درصد) بودند. میانگین و انحراف معیار سن آزمودنی‌های در پژوهش حاضر به ترتیب ۳۳/۳۰ و ۶/۸۴ می‌باشد که حداقل سن ۲۲ سال و حداکثر سن ۵۶ سال بود. علاوه بر این، میانگین و انحراف معیار طول مدت ازدواج آزمودنی‌ها در این پژوهش به ترتیب ۷/۱۳ و ۷/۱۵ می‌باشد. همچنین پایین‌ترین طول مدت ازدواج ۱ سال و بالاترین طول مدت ازدواج ۳۳ سال بوده است.

ابزار پژوهش

پرسشنامه پیمان‌شکنی زناشویی (Marital Punishment Questionnaire): جهت سنجش پیمان‌شکنی زناشویی از پرسشنامه پیمان‌شکنی زناشویی که توسط Dyrogoths (1999) تهیه شده است، استفاده گردید. این پرسشنامه ۱۱ ماده دارد، سه مؤلفه پیمان‌شکنی شناختی، پیمان‌شکنی عاطفی و پیمان‌شکنی جنسی را مورد سنجش قرار می‌دهد و پاسخ‌های آن براساس لیکرت ۹

درجه‌ای از صفر تا ۸ نمره‌گذاری می‌شود. (Dyrogths (1999) در پژوهش خود ضریب پایایی این پرسشنامه را از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش کرده است. (Sami et al. (2014) نیز در پژوهش خود ضریب پایایی این پرسشنامه را از طریق روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش نموده‌اند. (Dyrogths (1999) ضریب روایی پرسشنامه را که از طریق همبسته کردن نمره‌های آزمودنی‌ها در این مقیاس با رفتار خیانت‌آمیز محاسبه شده را برابر ۰/۸۰ گزارش نموده است. در پژوهش حاضر جهت بررسی ضریب پایایی این پرسشنامه و مؤلفه‌های آن از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که به ترتیب برای پیمان‌شکنی شناختی، پیمان‌شکنی عاطفی، پیمان‌شکنی جنسی و برای کل پرسشنامه ضرایب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۸۸ به دست آمد که نشان دهنده ضرب پایایی قابل قبول این پرسشنامه می‌باشد.

پرسشنامه شخصیتی نئو فرم کوتاه (NEO-FFI) Neo Form Short Personality Inventory:

در پژوهش حاضر جهت سنجش ویژگی‌های شخصیتی از پرسشنامه‌ای که توسط McCrae and Costa (1985) تهیه شده است، استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۶۰ ماده است که برای هر یک از زیرمقیاس‌ها ۱۲ ماده در نظر گرفته شده است و پاسخ‌های آن براساس لیکرت پنج درجه‌ای از ۱ (برای کاملاً مخالفم) تا ۵ (برای کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. (McCrae and Costa (1985) در پژوهش خود ضریب پایایی این پرسشنامه را برای روان‌رنجورخویی ۰/۸۳، برونگرایی ۰/۷۵، بازبودن به تجربه ۰/۸، توافق‌جویی ۰/۷۹ و وظیفه‌شناسی ۰/۷۹ به دست آورد. در هنجاریابی آزمون NEO که توسط Grossi Farshi, Mehriar and Ghazi Tabatabaei (2001) روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از بین دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی این دو شهر صورت گرفت ضریب همبستگی ۵ بعد اصلی را بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ گزارش کردند. ضرایب آلفای کرونباخ را در هر یک از عوامل اصلی روان‌رنجورخویی، برونگرایی، باز بودن، سازگاری و با وجدانی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به دست آمد. (Grossi Farshi et al. (2001) جهت بررسی روایی این آزمون از همبستگی بین دو فرم گزارش شخصی (S) و فرم ارزیابی مشاهده‌گر (R) استفاده کردند که حداکثر همبستگی به میزان ۰/۶۶ در عامل برونگرایی و حداقل آن به میزان ۰/۴۵ در عامل سازگاری بوده است. در پژوهش حاضر جهت بررسی ضریب پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده

شد که به ترتیب برای روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق‌پذیری و وجدانی بودن ضرایب ۰/۸۶، ۰/۷۲، ۰/۸۴، ۰/۸۹ و ۰/۹۴ به دست آمد که نشان دهنده ضرب پایایی قابل قبول این پرسشنامه می‌باشد.

پرسشنامه سبک اسنادی: در پژوهش حاضر جهت سنجش سبک اسناد از پرسشنامه‌ای که توسط Seligman and Patterson (1982) تهیه شده و سپس در سال ۱۹۸۴ توسط Patterson and Seligman مورد تجدید نظر قرار گرفته است، استفاده گردید. این پرسشنامه ارائه‌دهنده میزان خودسنجی آزمودنی از الگوهای سبک مورد انتظار خود در تبیین علی‌حوادث خوب و بد می‌باشد. در کل پرسشنامه سبک اسناد شامل ۴۴ سؤال می‌باشد که شامل ۱۲ موقعیت فرضی است که نیمی از آنها بد و نیمی از آنها خوب می‌باشند. همچنین نیمی از آنها در ارتباط با روابط بین فردی است، در حالی که نیمی دیگر در مورد رسیدن یا نرسیدن به موقعیت فرضی می‌باشد. (Bridges 2001) ضریب پایایی پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آورد. نتایج تحلیل عاملی، پژوهش (Asner-Self & Schreiber 2004) با استفاده از چرخش واریماکس از ساختار چهار عاملی حمایت کرد، در حالی که نتایج تحلیل عاملی، (Shokri et al. 2015) در نمونه دانشجویان ایرانی از ساختار سه عاملی حمایت کرد. همچنین (Shokri et al. 2015) جهت روایی همگرا پرسشنامه سبک اسنادی از طریق همبسته کردن نمره‌های این پرسشنامه با پرسشنامه هیجان‌های پیشرفت نشان دادند که رابطه معنی‌داری بین نمره‌های این دو پرسشنامه وجود دارد که حاکی از روایی همگرایی پرسشنامه بود. در پژوهش حاضر جهت بررسی ضریب پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب ۰/۸۶ به دست آمد که نشان دهنده ضرب پایایی قابل قبول این پرسشنامه می‌باشد.

پرسشنامه تمایز یافتگی خود: در پژوهش حاضر جهت سنجش تمایز یافتگی خود از پرسشنامه‌ای که توسط Skowron and Friendlander (1998) تهیه شده است، استفاده گردید. این پرسشنامه ۴۵ ماده دارد، تمرکز اصلی آن بر روابط مهم زندگی و ارتباطات جاری افراد با خانواده اصلی، چهار مؤلفه واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی عاطفی با دیگران را مورد سنجش قرار می‌دهد و پاسخ‌های آن براساس لیکر ۶ درجه‌ای از ۱ برای (ابتداً در مورد من صحیح نیست) تا ۶ برای (کاملاً در مورد من صحیح است) نمره-

گذاری می‌شوند. ضریب آلفای گزارش شده توسط Skowron and Friendlander (1998) برای پرسشنامه ی تمایز یافتگی خود ۰/۸۸ بوده است. همچنین در پژوهش Jahan Bakhshi and Kalatar Goshe (2012) پایایی کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۶۹ و برای خرده مقیاس‌های واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی عاطفی با دیگران به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۱/۶۴ و ۰/۷۵ محاسبه گردید. (Nat and Scadron (2004) جهت روایی همگرا پرسشنامه تمایز یافتگی خود، نمرات این پرسشنامه را با پرسشنامه اضطراب مزمن همبسته کردند که نتایج نشان دهنده رابطه معکوس و معنادار بود. روایی محتوایی این پرسشنامه با نظر خواهی از ۱۰ نفر از صاحب نظران این زمینه تأیید شده است (Nazmi, Hamid, & BasakNajed, 2014). در پژوهش حاضر جهت بررسی ضریب پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب ۰/۹۳ به دست آمد که نشان دهنده ضریب پایایی قابل قبول این پرسشنامه می‌باشد.

پرسشنامه باورهای غیرمنطقی: جهت سنجش باورهای غیرمنطقی از آزمون باورهای غیرمنطقی Jones (1968) استفاده گردید. فرم کوتاه این پرسشنامه ۴۰ ماده دارد و پاسخ‌های آن براساس لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ برای (کاملاً مخالفم) تا ۵ برای (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شوند. Jones (1968) پایایی پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۹۲ گزارش کرد. در پژوهش Mashak (2005) ضریب پایایی پرسشنامه باورهای غیرمنطقی به دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۶۶ و ۰/۶۵ گزارش شده است. Jones (1968) روایی این پرسشنامه را از طریق روش تحلیل عاملی و هم چنین همبسته کردن زیر مقیاس‌های آن با برخی از مقیاس‌های بالینی مانند پرسشنامه ۱۶ عاملی کتل نشان داده است. همبستگی بالای این مقیاس با پرسشنامه افسردگی و طرز تلقی ناکارآمد از ازدواج شواهد معتبری برای روایی همگرا فراهم آورده است. در ایران روایی سازه و تحلیل عاملی این پرسشنامه توسط Seif Ashrafi (2011) بررسی و تأیید شد. در پژوهش حاضر جهت بررسی ضریب پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب ۰/۸۸ به دست آمد که نشان دهنده ضریب پایایی قابل قبول این پرسشنامه می‌باشد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آورده شده است. همان‌طور که نتایج مندرج در جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین و انحراف معیار آزمودنی‌های

Table 1.
Mean, standard deviation, minimum and maximum score

Variables	Mean	Standard Deviation	Minimum Score	Maximum Score
marital infidelity	15/28	5/23	4	31
cognitive infidelity	9/72	3/43	2	19
emotional infidelity	2/80	1/27	0	6
sexual infidelity	2/76	1/29	0	7
irrational beliefs	117/76	20/99	60	169
neurosis	37/49	9/35	12	59
extraverted	30/80	9/08	12	57
openness to experience	32/47	10/09	13	59
agreeableness	33/75	10/01	14	60
conscientiousness	32/98	10/93	13	60
attributional style	147/34	27/25	70	197
self-distinctness	172/72	33/24	76	242

N=۲۳۰

کل نمونه (۲۳۰) به ترتیب در متغیرهای پیمان‌شکنی زناشویی (۵/۲۳ و ۱۵/۲۸)، باورهای غیرمنطقی (۲۰/۹۹ و ۱۱۷/۷۶)، روان‌رنجوری (۹/۳۵ و ۳۷/۴۹)، برون‌گرایی (۹/۰۸ و ۳۰/۸۰)، گشودگی به تجربه (۱۰/۰۹ و ۳۲/۴۷)، توافق‌پذیری (۱۰/۰۱ و ۳۳/۷۵)، وجدانی بودن (۱۰/۹۳ و ۳۲/۹۸)، سبک اسنادی (۲۷/۲۵ و ۱۴۷/۳۴) و تمایز یافتگی خود (۳۳/۲۴ و ۱۷۲/۷۲) است. ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ نشان داده شده است.

تحلیل‌های همبستگی جدول ۲ بینشی در خصوص روابط دومتغیری بین متغیرهای پژوهش را فراهم می‌کنند. جهت آزمودن همزمان انگاره روابط مفروض در پژوهش حاضر، روش الگویایی معادلات ساختاری (SEM) اعمال گردیده است. قبل از تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه‌ها، برای اطمینان از این که داده‌های این پژوهش مفروضه‌های زیربنایی مدل معادلات ساختاری را برآورد می‌کنند، به بررسی آن‌ها پرداخته شد. بدین منظور مفروضه‌های معادلات ساختاری شامل، بررسی داده‌های پرت^۱، نرمال بودن^۲ و هم خطی چندگانه^۳ مورد بررسی قرار گرفتند. جهت بررسی داده‌های پرت چند متغیری، فاصله ماهالانوبیس^۴ برای متغیرهای

- 1- outliers
- 2- normality
- 3- multi-collinearity
- 4- mahalanobis distance

Table 2.
Matrix of correlation coefficients between research variables

Variables	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12
1	-											
2	** 0/95	-										
3	** 0/78	** 0/60	-									
4	** 0/75	** 0/58	** 0/58	-								
5	** 0/54	** 0/48	** 0/45	** 0/44	-							
6	** 0/49	** 0/47	** 0/37	** 0/39	** 0/53	-						
7	** -0/42	** -0/38	** -0/36	** -0/34	** -0/40	** -0/31	-					
8	** -0/50	** -0/49	** -0/37	** -0/35	** -0/46	** -0/48	** 0/48	-				
9	** -0/45	** -0/43	** -0/32	** -0/37	** -0/41	** -0/38	** 0/23	** 0/36	-			
10	** -0/45	** -0/43	** -0/38	** -0/34	** -0/39	** -0/28	** 0/28	** 0/28	** 0/37	-		
11	** -0/44	** -0/41	** -0/36	** -0/35	** -0/37	** -0/33	** 0/23	** 0/27	** 0/25	** 0/30	-	
12	** -0/45	** -0/40	** -0/37	** -0/37	** -0/34	** -0/28	** 0/15	** 0/22	** 0/24	** 0/28	** 0/22	-

* p<0/05, ** p<0/01

Note: 1- marital infidelity, 2- cognitive infidelity, 3- emotional infidelity, 4- sexual infidelity, 5- irrational beliefs, 6- neurosis, 7- extraverted, 8- openness to experience, 9- agreeableness, 10- conscientiousness, 11- attributional style, 12- self-distinctness

محاسبه شد که یک آزمودنی (شماره ۲۸) دارای داده‌های پرت چند متغیری بود که در تحلیل فرضیه‌ها این آزمودنی حذف گردید. جهت بررسی نرمال بودن متغیرها از کجی و کشیدگی متغیرها استفاده شد که نتایج آزمون نرمال بودن متغیرها را نشان داد. همچنین، مقدار عامل تورم واریانس به دست آمده برای متغیرها کوچک‌تر از ۱۰ بود و این نشان می‌دهد که بین متغیرها هم خطی چندگانه وجود نداشت. جدول ۳ شاخص‌های برازندگی الگوی پیشنهادی تحقیق را نشان می‌دهد.

همان‌طور که نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد، همه شاخص‌های برازندگی مانند مجذور کای نسبی ($\chi^2/df=0/69$)، شاخص نیکویی برازش (GFI=0/99)، شاخص نیکویی برازش تطبیقی (AGFI=0/96)، شاخص بتلر-بونت یا شاخص نرم شده برازندگی (NFI=0/98)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI=0/99)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI=0/99)، شاخص تاکر-لویز (TLI=0/99)

Table 3.
The Fitness Indicators of the proposed model

Fitness Indicators	χ^2	Df	χ^2/df	GFI	AGFI	NFI	CFI	IFI	TLI	RMSEA
Proposed Model	11/09	16	0/69	0/99	0/96	0/98	0/99	0/99	0/99	0/00

و شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA=۰/۰۰) نشان دهنده برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها هستند. برای شاخص میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) مقدار کمتر از ۰/۰۸ قابل قبول است و برای مدل‌های بسیار خوب ۰/۰۵ و کمتر در نظر گرفته می‌شود. جدول ۴ پارامترهای مربوط به اثرات مستقیم متغیرها بر یکدیگر را در مدل پیشنهادی پژوهش نشان می‌دهد.

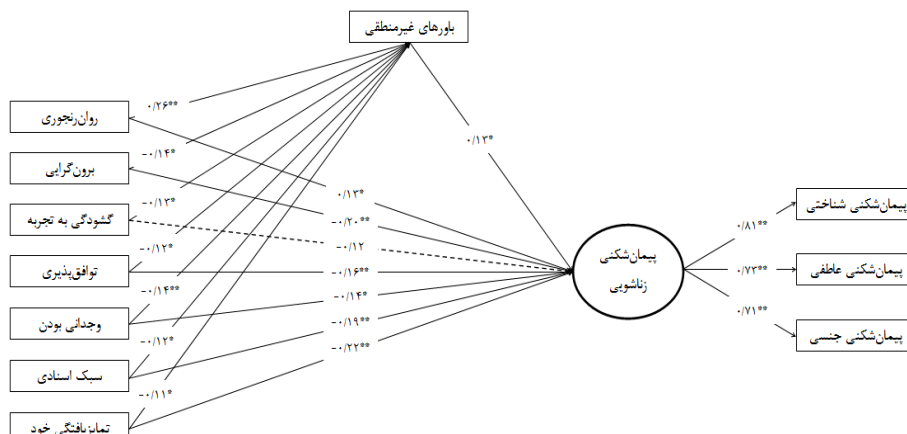
Table 4.
Parameters of direct effects between research variables in the proposed model

Paths	Unstandardized				
	Tandard estimate	estimate	S.E.	CR	P
From neurosis to irrational beliefs	0/26	0/58	0/14	4/28	0/01
From extroversion to irrational beliefs	-0/14	-0/32	0/14	-2/33	0/02
From openness to irrational beliefs	-0/13	-0/28	0/13	-2/09	0/04
From agreement to irrational beliefs	-0/12	-0/24	0/12	-2/00	0/05
From conscientiousness to irrational beliefs	-0/14	-0/28	0/11	-2/49	0/01
From attributional style to irrational beliefs	-0/12	-0/09	0/04	-2/22	0/03
From self distinctness to irrational beliefs	-0/11	-0/07	0/03	-1/98	0/05
From neurosis to marital infidelity	0/13	0/04	0/02	2/01	0/04
From extroversion to marital infidelity	-0/20	-0/06	0/02	-3/24	0/01
From openness to marital infidelity	-0/12	-0/03	0/02	-1/75	0/08
From agreement to marital infidelity	-0/16	-0/04	0/02	-2/68	0/01
From conscientiousness to marital infidelity	-0/14	-0/04	0/02	-2/37	0/02
From attribution style to marital infidelity	-0/19	-0/02	0/02	-3/31	0/01
From self distinctness to marital infidelity	-0/22	-0/02	0/02	-3/98	0/01
From irrational beliefs to marital infidelity	0/13	0/02	0/01	1/94	0/08
From marital infidelity to cognitive infidelity	0/81	1/00	-	-	0/01
From marital infidelity to emotional infidelity	0/73	0/34	0/03	10/84	0/01
From marital infidelity to sexual infidelity	0/71	0/33	0/03	10/45	0/01

همان گونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌کنید بر اساس ضرایب استاندارد و مقادیر بحرانی متناظر ارائه شده کلیه مسیرهای مستقیم معنادار شده‌اند.

شکل ۱ ضرایب مسیر استاندارد مدل نهایی پژوهش را نشان می‌دهد.

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، تمام ضرایب مسیرها معنی‌دار می‌باشند. یک



شکل ۱. برونداد مدل نهایی پژوهش حاضر

فرض زیربنایی الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر وجود چند مسیر غیرمستقیم یا واسطه‌ای است. برای تعیین معنی‌داری هر یک از روابط واسطه‌ای و اثر غیرمستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته از طریق متغیر میانجی از روش بوت استرپ استفاده گردید. نتایج بوت استرپ برای مسیرهای واسطه‌ای الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر را می‌توان در جدول ۵ مشاهده نمود.

Table 5.
Bootstrap results for indirect routes

Paths	β	P
neurosis → irrational beliefs → marital infidelity	0/20	0/001
extroversion → irrational beliefs → marital infidelity	-0/17	0/001
openness → irrational beliefs → marital infidelity	-0/18	0/001
agreement → irrational beliefs → marital infidelity	-0/17	0/001
conscientiousness → irrational beliefs → marital infidelity	-0/17	0/001
attribution style → irrational beliefs → marital infidelity	-0/16	0/001
self distinctness → irrational beliefs → marital infidelity	-0/14	0/001

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های شخصیتی، سبک اسنادی و تمایز یافتگی خود به عنوان پیش‌بین‌های پیمان‌شکنی زناشویی از طریق میانجی‌گری باورهای غیرمنطقی بود. یافته‌های حاصل از الگویابی معادلات ساختاری نشان داد که روان‌رنجوری و برون‌گرایی بر پیمان‌شکنی زناشویی اثر مثبت مستقیم و توافق‌پذیری و وجدانی بودن اثر منفی مستقیم بر پیمان‌شکنی

زناشویی داشتند. ولی گشودگی به تجربه بر پیمان‌شکنی زناشویی اثر منفی معنی‌داری نداشت. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش Sami et al. (2014), Farahmand (2015), Adibinia (2012), Markon, Krueger & Watson (2005) و Yang et al. (2015), Fisher & McNulty (2008)، همسو می‌باشد. نتایج این پژوهشگران نشان دهنده رابطه معنادار بین ویژگی‌های شخصیتی و پیمان‌شکنی زناشویی و نیز تعارض و ناخشنودی زناشویی بوده است.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که عوامل و ویژگی‌های شخصیتی نسبت به عوامل اجتماعی بر رضایت و تعهد زناشویی تأثیر بیشتری دارد و هر فرد ویژگی‌های روان‌شناختی منحصر به فردی را در زندگی و روابط زناشویی خود وارد می‌کند. این ویژگی‌ها و الگوهای آموخته شده فرد، می‌تواند تعهد و پیمان زناشویی را کاهش دهد و یا برعکس باعث تقویت و استحکام روابط زناشویی شود (Sami et al., 2014). با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت از آن‌جا که روان‌رنجوری ضعف انرژی روانی است و ناتوانی در تحقق بخشیدن به رفتارهایی که در دنیای بیرون اثر می‌گذارند، انسان روان‌رنجور، زمان خود را به انجام دادن رفتارهایی کم ارزش محدود می‌کند، به ویژه رفتارهایی که درونی شده‌اند. ناتوانی در انتخاب، به ویژه در هنگام تصمیم‌گیری یکی از عنصرهای اصلی روان‌رنجوری است و زمینه را برای پیمان‌شکنی ایجاد می‌کند. به بیان دیگر می‌توان گفت ویژگی‌های شخصیتی اعم از روان‌رنجورخویی و برون‌گرایی و جز آن می‌توانند پیش‌بینی‌کننده و زمینه‌ساز روابط گرم یا سرد زوجین باشند که در نتیجه آن ممکن است زوجین از زندگی زناشویی خود رضایت و تعهد داشته باشند و یا برعکس نسبت به زندگی زناشویی و تعهدات آن پایبند نباشند (Khademi et al., 2015).

همچنین نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که سبک اسنادی بر پیمان‌شکنی زناشویی اثر مثبت مستقیم داشت. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش Adibinia (2012)، Stephane et al. (2006) و Khin (2005) همسو می‌باشد. به نظر می‌رسد که سبک اسنادی تأثیر خود را بر تعهد و پیمان زناشویی از طریق عواطف اعمال می‌کند و از آن‌جا که برخی نظریه‌پردازان رفتارگرایی شناختی مطرح می‌کنند عواطف مثبت و منفی به وسیله شناخت به وجود می‌آیند و به همین صورت شناخت‌های مثبت منجر به عاطفه مثبت و عواطف مثبت نیز احساس خوب بودن را در فرد ایجاد می‌کنند. بر این اساس شناخت منفی منجر به آشفتگی عاطفی می‌شود و آشفتگی عاطفی نیز به نوبه خود مشکلاتی را ایجاد می‌کند (Asgari, Hafezi,

(Jamshidi, 2010) و بنابراین اسنادها، به ویژه اسنادهای علی نقش با اهمیتی در رفتارهایی مانند روابط بین فردی، تعارض بین فردی، رفتارهای بهداشتی و پیمان‌شکنی زناشویی دارد. از دیگر نتایج پژوهش حاضر این بود که تمایز یافتگی بر پیمان‌شکنی زناشویی اثر مثبت مستقیم داشت. این نتایج با نتایج پژوهش (Zarei & Hosseinagholi, 2013) Farahmand (2015) و Glad (1999) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان اظهار کرد، درجه توانایی فرد برای اجتناب از تبعیت خودکار رفتار از احساسات، بیانگر میزان تمایز یافتگی خود است و هدف اصلی آن توازن میان احساسات و شناخت است. در واقع افراد بیشتر تمایز یافته تمایل دارند تا خود مختاری بیشتری در روابطشان داشته باشند و مایلند صمیمیت بیشتری در روابطشان بدون غرق شدن در احساسات داشته باشند (Papco, 2002). افراد تمایز یافته به آسانی تحت تأثیر دیگران برای سهم شدن یا جذب کردن اضطراب آنها قرار نمی‌گیرند و به خاطر دیگران موضوعات، مشکلات، شکست‌ها یا اضطراب‌های نشانه آسیب را نشان نمی‌دهند. طبق نظر Glenn and Krammer (1987) تجربیات و مشخصه‌های فردی با پیمان‌شکنی زناشویی در ارتباط هستند. بنابراین، تمایز یافتگی خود به عنوان یکی از مشخصه‌های فردی با پیمان‌شکنی زناشویی ارتباط دارد. Bowen (1978) معتقد است که تعارض‌های زناشویی از ضعف در تمایز یافتگی خود و نداشتن احساس قوی در هویت‌یابی است و پیمان‌شکنی زناشویی مستلزم احساس ضعیف در هویت‌یابی و تمایز یافتگی خود است. افراد با سطح تمایز یافتگی بالا پیمان‌شکنی زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند و افراد با تمایز یافتگی پایین آشفته‌گی زناشویی بیشتری دارند (Pelage, 2008). همچنین، نتایج نشان داد که باورهای غیرمنطقی بر پیمان‌شکنی زناشویی اثر مثبت مستقیم داشت. در تبیین این یافته به نظریه الیس استناد می‌شود که بسیاری از تعارضات و مشکلات زناشویی با منشأ روانشناختی نتیجه طرز فکر غیرمنطقی و غیر عقلانی است. وی معتقد است که نگرش‌ها و باورهای غیرمنطقی افراد می‌تواند در ایجاد رابطه‌ی عاطفی ناکارآمد نقش داشته باشد. براساس نظریه عقلانی - عاطفی رفتاری (Ellis, 1989) داشتن رشته‌ای از افکار و باورهای غیرمنطقی می‌تواند منجر به اختلال در روابط زناشویی و پیمان‌شکنی زناشویی گردد لذا افراد دارای باورهای غیرمنطقی احتمالاً مستعد پیمان‌شکنی زناشویی می‌باشند. علاوه بر این، یافته‌های مربوط به اثر غیرمستقیم نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی روان رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌پذیری و وجدانی بودن از طریق باورهای غیرمنطقی بر

پیمان‌شکنی زناشویی اثر غیرمستقیم داشتند. در تبیین این یافته می‌توان گفت به اعتقاد Ellis (2001) هیچ رویدادی ذاتاً نمی‌تواند در انسان آشفتگی روانی ایجاد کند؛ زیرا تمام محرک‌ها و رویدادها در ذهن معنا و تفسیر می‌شوند و بر این اساس، سازش نیافتگی‌ها و مشکلات هیجانی، ناشی از نحوه تعبیر، تفسیر و پردازش اطلاعات حاصل از محرک‌ها و رویدادهایی هستند که افکار و باورهای غیرمنطقی زیربنای آنها هستند. بنابراین، علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی افراد، باورهای غیرمنطقی به عنوان یک عامل مهم می‌تواند در انتظارات غیرمنطقی از ازدواج و باورهای غیرمنطقی از یکدیگر (Lotfi Kashani & Vaziri, 2011)، اختلافات زناشویی و به دنبال آن کاهش سازگاری و در نتیجه نادیده گرفتن و شکستن پیمان زناشویی شود.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان دادند که سبک اسنادی از طریق باورهای غیرمنطقی بر پیمان‌شکنی زناشویی اثر غیرمستقیم داشت. با توجه به این که اسناد فرآیندی است که طی آن افراد تلاش می‌کنند تا به علل رویدادها یا رفتارها پی ببرند، و از طرف دیگر کلیه رویدادهای دریافتی را فرد پردازش و تفسیر می‌کند، بنابراین داشتن افکار و باورهای غیرمنطقی در مورد همسر و زندگی زناشویی باعث می‌شود که برای مثال با دیدن یک رفتار اشتباه یا منفی از همسر، باورهای غیرمنطقی قوت گرفته و از آن جا که باورهای غیرمنطقی، اغراق آمیز، انعطاف‌ناپذیر، مطلق‌گرا و غیرواقعی هستند (Ellis: Firozkhate, 2007) باعث اسناد دادن مکرر مشکلات به همسر و مقصر دانستن او می‌شود که همین امر می‌تواند یکی از عوامل بروز سرخوردگی در زوجین (Shahbazi, Koraei & Kianijam, 2018) و کاهش کیفیت و رضایت و بعضاً پیمان‌شکنی زناشویی شود.

در تبیین این یافته که تمایز یافتگی خود از طریق باورهای غیرمنطقی بر پیمان‌شکنی زناشویی اثر غیرمستقیم داشت، می‌توان گفت تمایز یافتگی به توانایی تجربه صمیمیت با دیگران و در عین حال استقلال از دیگران اشاره دارد (Klever, 2009). به عبارت دیگر تمایز یافتگی یک ترکیب پیچیده از پختگی هیجانی، توانایی تفکر منطقی در موقعیت‌های هیجانی و توانایی حفظ روابط نزدیک عاطفی است (Drake, 2011). افراد با تمایز یافتگی پایین در تعارضات زناشویی در رابطه با زوج، اضطراب را جذب می‌کنند و واکنش‌های هیجانی یا جدایی هیجانی نشان می‌دهند این افراد در صورت داشتن افکار و باورهای مخرب و غیرمنطقی باعث می‌شود که واکنش و رفتار آنها به صورت فاجعه آمیز و تحمل کم ناکامی نسبت به موقعیت یا مشکلات زندگی نشان داده شود و سبب تمایل به خروج از رابطه و عقب نشینی عاطفی در شرایط پرتنش شود. این امر با فرض

بنیادی نظریه عقلانی - هیجانی مرتبط می‌باشد که معتقد است باورهای غیرمنطقی در نحوه تفسیر و ارزیابی فرد از واقعیت نقش دارد و پاسخ‌های رفتاری که از تفسیرهای خاص ناشی می‌شود در تداوم رفتارهای ناسالم نقش دارند (Kalantari et al., 2015).

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این موضوع اشاره کرد که با وجود این که استفاده از رویکرد الگویابی معادلات ساختاری توانایی به دست دادن اثبات‌های علی را فراهم می‌آورد، اما در این خصوص باید جوانب احتیاط را رعایت کرد. همچنین با توجه به این که نمونه پژوهش حاضر افراد با تحصیلات دانشگاهی بودند در تعمیم نتایج به افراد با تحصیلات غیردانشگاهی باید احتیاط کرد پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران سایر عوامل مؤثر در پیمان‌شکنی زناشویی از جمله ساختار خانواده اصلی زوج، عوامل و مسائل فرهنگی را مورد توجه قرار داده و گام مؤثری در دستیابی به نتایج گسترده‌تر بردارند.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر مشاوران ازدواج و خانواده می‌توانند با در نظر گرفتن عوامل و ویژگی‌های شخصیتی که احتمال پیمان‌شکنی زناشویی را پیش بینی می‌کنند در جهت آموزش به افراد و تقویت ویژگی‌های مثبت و جایگزینی باورهای منطقی، تعهد و صمیمیت در زوجین را بهبود بخشند.

Reference

- Adibnia, N. (2012). *The role of the mediate of document styles in relation to personality traits and marital adjustment of high school teachers in Bastak city*. Islamic Azad University - Marvdasht Branch of Islamic Azad University - Faculty of Educational Sciences and Psychology. [Persian]
- Asgari, P., Hafezi, F., & Jamshidi, S. (2010). Relationship between document style and personality traits with marital satisfaction of female nurses in Ilam city. *Journal of Women and Culture, 1*(30), 17-33. [Persian]
- Asner-Self, K. K., & Schreiber, J. B. (2004). A factor analytic study of the attributional style questionnaire with Central American immigrants. *Measurement and Evaluation in Counseling and Development, 37*(3), 144-153.
- Atkinson, R., Atkinson, R. C., Smith, E., Bam, D. J. & Hoeksma, S. N. (2010). *The field of psychology*. Translation by Naghi-Burhani, M., Birashch, B., Bik, M., Zamani, R., Shamlu, S., Shahravar, M., Karimi, Y., Gahan, N., Mohidein, M., & Hashemian, K. Tehran: Growth. [Persian]
- Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. NY. London: Jason Anderson.
- Bridges, K. R. (2001). Using attribution style to predict academic performance: How does it compare to traditional methods? *Personality and Individual Differences, 31*, 723-773.

- Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2012). Effects of marital conflict on children: recent advances and emerging themes in process-oriented research. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 43, 31-36.
- DeCesare, S. D. (2008). *Anxiety and depression: self-differentiation as a unique predictor*. Unpublished doctoral dissertation. Mary wood University.
- Drake, J. R. (2011). *Differentiation of Self Inventory –Short Form: Creation & Initial Evidence of Construct Validity*. University of Missouri-Kansas City.
- Drigotas, S. M. (1999). An investment model prediction of dating infidelity. *Journal of Personality & Social Psychology*, 77, 509-524.
- Ellis, A. (1989). *Couples Therapy*. Translation by Salahi Fodardi, J., & Amin Yazdi, A. Tehran: Mizagh Publication. [Persian]
- Ellis, A. (2001). *Overcoming destructive beliefs, feelings, and behaviors*. Amherst, NY: Prometheus Books.
- Farahmand, A. (2015). *Relationship between personality traits and self-differentiation with marital conflict married under the Imam Khomeini Relief Committee of Dehdasht*. Master's thesis, Islamic Azad University, Marvdasht Branch. [Persian]
- Fisher, T. D., McNulty, J. K. (2008). Neuroticism and marital satisfaction: The mediating role played by the sexual relationship. *J Fam Psychol*, 22, 112-22.
- Fung, S. C., Wong, C. W., Tam, S. M. (2009). *Familial, and extramarital relations among truck drivers crossing the Hong Kong –China Border*, 35(3), 239-244.
- Glad, G. E. (1999). The effect of self-differentiation on marital conflict. *American Journal of Pastoral Psychology*, 2(4), 65-76.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2012). *Family Therapy: An overview*. Los Angeles: Thomas Brooks/Cole.
- Goodfriend, W., & Agnew, C. R. (2008). Sunken costs and desired plans. *Personality and social psychology Bulletin*, 37, 1639-1652.
- Gordon, K. C. Baucmn, D. H., & Snyder, D. K. (2008). Optimal strategies in couple therapy: Treating couples dealing with the trauma of infidelity. *Journal of Contemporary Psychotherapy*, 38(3), 151-160.
- Graham, J. M., & Conoley, C. W. (2006). The role of marital attributions in the relationship between life stressors and marital quality. *Personal Relationship*, 13, 231-241.
- Grossi Farshi, M. T., Mehriar, A., Ghazi Tabatabaei, M. (2001). Application of New Neo Personality Test (NEO) and analysis of its characteristics and its factor structure among Iranian university students. *Journal of Al-Zahra Human Sciences*, 11(39), 173-198. [Persian]
- Guitar, A. E., Geher, G., Kruger, D. J., Garcia, J. R., Fisher, M. L., & Fitzgerald, C. J. (2016). Defining and distinguishing sexual and emotional infidelity. *Current Psychology*, 36(3), 1-13.
- Jahan Bakhshi, Z., Kalatar Goshe, M. (2012). The relationship between the dimensions of early maladaptive schemas and differentiation. *Quarterly of counseling and family psychotherapy*, 2(5), 234-256. [Persian]

- Jamshidi, M., & Sarvghad, S. (2014). The mediating role of identity styles in relationship between differentiation of self and internet addiction. *Journal of Psychological Methods and Models* 6(20), 37-53. [Persian].
- Kalantari, F., Davodi, I., Bassknejad, S., Mehrabizadeh honrmand, M., & karandish, M. (2015). The effectiveness of rational- emotive behavioral therapy on body mass index, Self-efficacy and Body image among overweight teenage girls. *Journal of Psychological Achievements*, 4(2), 75-98. [Persian]
- Khademi, A., Valipour, M., Moradzadeh Khorasani, L., Neishabouri, S. (2015). Relationship between personality traits and marital satisfaction and its components among the married couples. *Journal of Applied Psychology*, 4(32), 95-109. [Persian]
- Khajepour, N., Beshlideh, K., & Baharlo, M. (2017). Relationship of workplace ostracism with job performance, organizational citizenship behavior, turnover intention: Mediating role of job satisfaction. *Journal of Psychological Achievements*, 4(24), 137-160. [Persian]
- Khin S. H. (2005). The study of the Relationship between Attribution style and marital satisfaction of Married couples in Myanmar. *Psychology Department Yangon University*, 106, 1-12.
- Klever, P. (2009). Goal direction and effectiveness, emotional maturity, and nuclear family functioning. *Journal of Marital and Family Therapy*, 3, 308-324.
- Lotfi Kashani, F., & Vaziri, S. (2011). The effect of sexual skills training on marital satisfaction. *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 30, 2581-258.
- McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1985). Updating Norman's "adequacy taxonomy": Intelligence and personality dimensions in natural language and in questionnaires. *Journal of Personality and Social Psychology*, 49(3), 710-721.
- Mashak, R. (2006). *Comparison of irrational beliefs, social support and social anxiety of female students with employed and non-employed mothers in Ahvaz high schools*, Islamic Azad University, Ahvaz Branch. [Persian]
- Momeni, K., Kavooosi, S., Amani, R. (2015). The prediction of marital commitment based on her differentiation, family solidarity, and marital intimacy. *Family Consultation and Enrichment Quarterly*, 2(1), 46-58. [Persian]
- Nazmi, T., Hamid, N., & BasakNajed, S. (2014). The effect of different therapeutic therapy on the dependence and distinction of women with addicted wives. *Journal of Psychological Achievement*, 4(1), 121-142. [Persian]
- Orzeck, T., & Lung, E. (2005). Big-five personality differences of cheaters and noncheaters. *Current Psychology: Developmental, Learning, Personality*, 24, 274-286.
- Pelage, M. (2008). The relationship between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learn from married couple over the course of life? *The Journal of Family Therapy*, 36, 388-401.
- Patterson, G. R. (1982). *Coercive family process*. Eugene, OR: Castalia.
- Pourmohammadreza Yedgarishi, M., Pahlavan, S., & Najafifard, T. (2013). The Relationship between Irrational Beliefs and Marital Adaptation of the

- Couples in Isfahan Scientific, *Journal of Social Welfare*, 14(1), 179-193. [Persian]
- Qarishian, M., Neshat Dosst, H. T., & Molavi, H. (2010). Retraining of documentary style and marital satisfaction in Iranian couples, *Journal of Developmental Psychology*, 6(24), 329-336. [Persian]
- Sami, A., Nazari, A., & Taheri, M. (2014). Multiple relationships of attachment styles, personality dimensions, and marital satisfaction with marital delectation. *Journal of Cultural and Educational Affairs of Women and Family*, 9(29), 81-93. [Persian]
- Seif Ashrafi, M. (2011). *Study of the validity, validity, validity and softness of the irrational beliefs questionnaire of Islamic Azad University*. Central Tehran Branch, Faculty of Social Sciences. [Persian]
- Shahbazi, M., Koraei, A., Kianijam, N. (2018). Marital standards and relationship attributions as predictors of women's marital adjustment and non-adjustment. 4(2), 29-42. [Persian]
- Shokri, O., Tizizi, N., Abdollahpour, M. A., & Daghavani Nia, A. (2015). Psychometric Analysis of Documentary Style Questionnaire in Iranian Students. *Journal of Applied Psychology*, 9(1), 79-101. [Persian]
- Skowron, E. A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47, 229- 237.
- Skowron, E. A., & Friendlander, M. L. (1998). The differentiation of self-Inventory; Development and Initial Validation. *Journal of Counseling Psychology*, 45(3), 235-246.
- Soudani, M., Karimi, J., Mehrabizadeh, M., & Neisi, A. (2012). Effectiveness of emotion oriented couple therapy on reducing the damaged caused by marital infidelity. *Journal of Research in Behavioral Science*, 4(25): 258-268. [Persian]
- Stephane, S., & Lussier, J. W. (2006). The Effects of measurement strategy on attributions for marital problems and behaviors. *Journal of Applied social Psychology*, 21, 734-746.
- Yang, S. X., Jowett, S., & Chan, D. (2015). Effects of big five personality traits on the quality of relationship and satisfaction in Chinese coach-athlete dyads. *Scand J Med Sci Sports*, 25, 568-80.
- Zarei, S., & Hosseinaghali, F. (2013). The prediction of marital commitment based on self-consciousness (shame and sin) and self-differentiation in married students. *Quarterly Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 4(1), 113-135. [Persian]
- Zhang, H., Spinrad, T. L., Eisenberg, N., Luo, Y., & Wang, Z. (2017). Young adults' internet addiction: prediction by the interaction of parental marital conflict and respiratory sinus arrhythmia. *International Journal of Psychophysiology*, 120, 148-156.

